



24 می 2022

اداکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش پنجاه و دوم)

(ادامه) اهم رویدادهای سفر محمدنادرخان و برادران از "نیس" تا "خوست":

4 - از پشاور تا خوست:

محمدنادرخان و برادران بعد از دو روز اقامت در بمبئی بتاريخ 25 فبروری حوالی شام بمبئی را ذریعہ ریل از طریق دهلی و لاهور به قصد پشاور ترک کردند و بتاريخ 27 فبروری به پشاور مواصلت نمودند. از تصادف که در همین روز دو نفر مهم دیگر وارد آن شهر شدند: همفریز سفیر برتانیہ با اعلام اینکه گویا سفارت را در کابل بسته کرده و بیرق برتانیہ را زیر بغل نموده توسط طیارہ از کابل به پشاور آمد و والی علی احمد خان بعد از بغاوت عساکرش علیہ او، از جگدک پای پیاده خود را تا حواشی مومند رسانیده و از آنجا بوسیله موتری که پولیتیکل ایجنٹ برایش فرستاده بود، نیز به پشاور مواصلت کرد.

ستیوارت می نویسد: «شاید تصادفاً نادرخان و همفریز در عین وقت به پشاور رسیده باشند، اما حکومت هند برتانیوی بی میل و متردد بود که اجازه دهد همفریز با نادرخان دیدار و مذاکرہ نماید. همفریز می گفت: خواه ببینیم و یا نبینیم، سفارت روسیہ میگوید که با ہم دیدار داشتیم. تقدیر، قضا و قدر مرا و نادرخان را در یک وقت در یک محل با ہم بیآورد و برادران وی از دوستان نزدیک و قدیمی من میباشند، هرگاه از ملاقات شان خودداری نمایم، سوء تفاهم را ایجاد خواهد کرد و اگر با ایشان ملاقات کنم اخبار ہندی و روس ها مرا متهم خواهند ساخت، لکن اگر یک فامیل با نفوذ افغانستان را مخالف سازم، کاربدی انجام داده ایم.» (ستیوارت: "آتش در افغانستان"، متن انگلیسی صفحه 519، متن ترجمہ دری 141-142)

در این وقت امان الله خان با اعزام یک هیئت به پشاور، طی یک نامہ از محمدنادرخان خواست به قندہار بیاید و در عین زمان حبیب الله کلکانی کہ قبلاً نیز به همین منظور نامہ به محمدنادرخان نوشته و بدست سردار عبدالعزیزخان و احمد شاه خان (پسر عم نادرخان) به نیس ارسال داشته بود و وقتی آن دو پیام آور با نامہ به نیس رسیدند، نادرخان و برادرانش به جانب بمبئی حرکت کرده بودند، آنها نیز به عجلہ به هند برتانیوی برگشتند و در شهر پشاور ضمن دیدار با نادرخان نامہ حبیب الله را به او دادند. در عین زمان تلگرامی از عطاءالحق [وزیر خارجه حبیب الله] به همفریز در پشاور رسید کہ در آن او خواسته بود تا نادرخان را توسط طیارہ به کابل بفرستد. حبیب الله هدایت داده کہ به افتخار ورود نادرخان یک رواق بزرگ پذیرائی در میدان هوائی زده شود و حاضر است قسمتی از قدرت خود را به وی تفویض نماید و او را صدراعظم و قوماندان قوای مسلح بسازد. (مأخذ بالا متن انگلیسی صفحه 521، ترجمہ صفحه 143)

حین اقامت ده روزه محمدنادرخان و برادرانش در پشاور (از 27 فبروری تا 6 مارچ 1929) ذکر دو رویداد مهم از همه بیشتر در خورتوجه است: یکی ملاقات آنها با همفریز سفیر برتانیہ کہ بعد از بسته

د پانو شمیرہ: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

کردن سفارت در کابل به پشاور آمده بود و دیگر دیدار و تبادل افکار با علی احمدخان که اونیز در همان روزها با مشکلات زیاد خود را به آن شهر رسانیده بود.

ملاقات با همفریز: محمدنادرخان یکروز بعد از ورود خود به پشاور بتاريخ 28 فبروری با همفریز سفیر برتانیه در کابل بطور خصوصی ملاقات کرد و راجع به پلان آینده خود و برادرانش مبنی بر آغاز فعالیت از سمت جنوبی و مشرقی به وی معلومات داد. خانم ستیوارت نویسنده کتاب "آتش در افغانستان" در این باره می نویسد: قبل از آنکه هیئت امان الله خان به پشاور برسد، نادرخان با همفریز ملاقات کرده بود. نخست نادرخان از همفریز خواست که بگوید حکومت برتانیه کدام شخص را ترجیح میدهد که براریکه قدرت در افغانستان تکیه زند. همفریز گفت: ما در موضوع افغانها و آزادی رأی شان مداخله نمی کنیم و از این حالت سردرگمی و بیچارگی شان استفاده نمی کنیم. نادرخان از همفریز به صفت یک دوست خواهش نمود که به وی مشوره دهد که چه کند. همفریز به وی گفت که: جرگه را دایر نماید و از قبایل بخواهد که یک نفر را به صفت پادشاه تعیین و انتخاب کنند، قطع نظر از آنکه آن شخص امان الله خان باشد یا شخص دیگر. ضمناً همفریز به نادرخان حالی ساخت که حکومت برتانیه حاضر است به سوی شخصی که یک حکومت با ثبات را تأسیس کند، دست دوستی را دراز نماید. نادرخان [با این توجیه همفریز] باخوشی گفت: بسیاری شک و تردید از دماغ بیرون شد.

سپس نادرخان پلان آینده خود را طرح نمود، بعد از ده روز توقف در پشاور، محمدهاشم خان برادر خود را به جلال آباد فرستاد و قرار شد خودش با برادر دیگر خود شاه ولیخان به ولایت جنوبی برود و در آنجا با شاه محمود خان برادر دیگرش [که در آنوقت برای تنظیم امور مشرقی و جنوبی و مذاکره با اقوام آنجا از طرف حبیب الله کلکانی توظیف گردیده بود] ملاقات کند. نادرخان با ستایش از حکومت برتانیه موضوع را عجالتاً ختم نمود و اظهار داشت که افغانها هرگز این چیزها را فراموش نخواهند کرد، هنگامیکه نظم و نسق را در خانه شان برقرار سازند، انشاءالله آنها در نظر ندارند که امان الله خان را دوباره در قدرت جایجا سازند. (شرح مزید- مأخذ بالا، متن انگلیسی صفحه 520، ترجمه دری صفحه 142-143)

محمدنادرخان در آخر صحبت با همفریز اظهار داشت: «برتانیه کبیریگانه کشوریست که در روزهای پریشانی افغانستان، دوستی حقیقی را نشان داده است. او از هموطنانش شواهدی را بدست آورده است که بیطرفی و ثبات انگلیسها، شهرکابل و سفارتخانه های خارجی را از نابودی نجات داده و انشاءالله اگر ما بتوانیم نظم را برقرار کنیم، افغانستان این نیکی را هرگز فراموش نخواهد کرد.» (زمانی، عبدالرحمن: "بازنگری دوره امانی..."، صفحه 433-434، مأخذ شماره 660 - آرشیف هندبرتانوی، تلگرام 266، مورخ اول مارچ 1929، همفریز به وزارت خارجه انگلیس)

سپس محمدنادرخان قبل از آنکه پشاور را به قصد خوست ترک کند، برطبق توصیه همفریز با "ولتن چیف" کمشنر پشاور نیز دیدار نمود و آنها روابط بعدی خویش را از طریق اشخاص وسیط مشخص کردند که از طرف انگلیسها صاحبزاده محمدصادق و ام.ای. حکیم M.A.Hakim و از طرف نادرخان حاجی محمداکبرخان و الله نوازخان تعیین شدند. همچنان نادرخان قبل از داخل شدن به خاک افغانستان با "ریچارد میکانیکی" پولیتیکل ایجنت وزیرستان در کرم ملاقات کرد و موصوف به او توصیه نمود تا پیشتر از هر اقدام دیگر باید به تدویر یک جرگه قبایلی بپردازد و در آن اهداف و پالیسی مورد نظر خود را به آنها شرح و همکاری شانرا در تطبیق آن جلب نماید. (یوسفزی، سیدال: "نادر چگونه به پادشاهی رسید؟"، صفحه 68 و 72)

ملاقات با علی احمد خان (والی): رویداد قابل توجه دیگر در پشاور همانا دیدار دوشخص بسیار مهم یعنی علی احمدخان و محمدنادرخان بود که هر یک برای رسیدن به سلطنت افغانستان سعی و تلاش داشتند. آنها روی تصادف و بدون اطلاع از یکدیگر بتاريخ اول مارچ بعد از ادای نماز جمعه در مسجد "محبت خان" در پشاور باهم ملاقی شدند. سیدال یوسفزی می نویسد: «نادرخان تا آنوقت در محافل عمومی و ضمن ملاقات با نمایندگان احزاب و مصاحبه با خبرنگاران بصورت واضح خود را نماینده امان الله خان معرفی میکرد. اکنون [بعد از دیدار با همفریز] نام امان الله خان را به کلی از گفتار خود حذف نموده بود، چنانچه در موقع ادای نماز جمعه در مسجد جامع پشاور که او و والی علی احمدخان هر دو البته هر کدام بصورت جداگانه بدون اطلاع از همدیگر در آن اشتراک ورزیدند، نادرخان ضمن خطابه تنها از مساعی خود و برادرانش برای نجات وطن از سلطه دزدان سخن گفت و ضمناً معاونت مردم سرحد را تقاضا کرد و بعد از آن تا وقتی که در پشاور بود، حتی القدر از تماس با اعضای احزاب سیاسی مخصوصاً "جماعت خلافت" که در اینوقت به سرکردگی خان عبدالغفار خان در سرحد بسیار فعال و در وقایع افغانستان طرفدار امان الله خان بودند، احتراز میکرد. عبدالغفارخان بعد از شنیدن بیانات نادرخان، به پیروان خود گفت که اکنون باید از معاونت به او [نادرخان] خودداری نمایند، چرا که بر منافقت او یقین حاصل کرده است و خوب میداند که وی به طرفداری امان الله خان کار نخواهد کرد، بلکه بالعکس به کمک فرنگی برخلاف او و برای شخص خود داخل اقدامات میباشد.» (سیدال یوسفزی (سیدقاسم رشتیا): "نادر چگونه به پادشاهی رسید؟"، صفحه 68-69)

باملاقات مختصر علی احمدخان با محمدنادرخان در مسجد قرار شد که آنها باهم در مورد مسایل مهم و حیاتی افغانستان بیشتر مذاکره نمایند که این ملاقات فردای آنروز از صبح تا عصر دوام کرد و مختصر آن چنین است: علی احمدخان به نادرخان پیشنهاد کرد: «بسیار مردم انتظار بازگشت مرا دارند و چون اکثریت قبایل سمت مشرقی و عده زیاد کابل در قید بیعت من اند، شما باید به من بیعت کنید و اگر به پادشاهی من قبولدار نمیشاید، من به شما بیعت میکنم و با اتفاق هم بطرف جلال آباد حرکت میکنیم و با بچه سقو بشدت می جنگیم». نادرخان در جواب گفت: «حال ما و شما باید در امور سلطنت فکرنکنیم چه خود اعلیحضرت امان الله خان و معین السلطنه در قندهار و همچنان کابل در تصرف بچه سقو و بسیار مردم طرفدار امان الله خان و نیز بسیار نفری با بچه سقو بیعت کرده اند و من نمیخواهم که پادشاه شوم، ولی آرزوی خدمت وطن را بدل دارم و به عقیده من دو دونفر از دو جبهه مشرقی و جنوبی پیش می رویم تا ببینیم اقدامات ما چه نتیجه میدهد». علی احمد خان گفت: «اقدامات ما و شما بحيث افراد معزول در میان قبایل افغان کدام نتیجه ثمر بخش نمیدهد، تا آنکه اعلان پادشاهی نکنیم و اگر امان الله خان را مستحق این امر میدانید، مجدداً بیعت می فرستیم و هدایت میخواستیم و اگر شما خود را ذیحق میدانید، من به شما بیعت میکنم و اگر بمن بیعت میکنید اختیار دارید و اگر به معین السلطنه بیعت میکنید نیز حاضر هستم. اگر باهم اتفاق نمی نمائید، یکجا به قندهار میرویم و آنجا از حضور امان الله خان مصلحت می جوئیم». محمدنادرخان از رفتن به قندهار اظهار علاقه نکرد و گفت که میخواهد با شاه ولیخان بطرف جنوبی و هاشم خان به سمت مشرقی بروند. (برای شرح مزید دیده شود - وکیلی پوپلزائی: "سلطنت امان الله شاه..."، جلد دوم، صفحه 546-548)

علی احمدخان پس از دیدار با محمدنادرخان و برادرانش با همفریز ملاقات کرد و گفت که بصورت عاجل به پول ضرورت دارد و تصریح کرد که: در طول زندگی اش دوست حکومت برتانیه بوده و اگر به تخت کابل بنشیند، اولین کارش انعقاد پیمان دفاعی با برتانیه کبیر و ممانعت از تمام گرایشات بلشویکی خواهد بود. همفریز به او از اعلامیه بیطرفی انگلیس در امور داخلی افغانستان یادآور شد و

گفت که در شرایط فعلی دادن کمک به هریکی از کاندیدهای تاج و تخت افغانستان تخطی ازین پالیسی است. همفریز به او گوشزد نمود که فکرسیدن به سلطنت را به کمک ما باید به کلی از دماغت بیرون کنی. علی احمد گفت: پول را بطور مخفی بپردازید، همفریز گفت: چنین پیشنهاد قبیح را جداً رد میکند. علی احمد اشارتاً تذکر داد که اگر نتواند کمک برتانیه را بدست آورد، مجبور است به قندهار برود و از امان الله خان حمایت کند. همفریز به وی گفت: بزودی پشاور را ترک کند. چند روز بعد نادرخان از برتانوی ها پرسید که آیا به علی احمد خان پول داده اند و آیا به او اجازه داده شده به افغانستان برود؟ پاسخ این بود که او به افغانستان رفته میتواند، مگر برایش پول داده نشده است.

وقتی علی احمدخان از مذاکرات نادرخان با همفریز اطلاع یافت وانگلیسها نیز اقامت مزید او را در پشاور لازم نمی دیدند و برایش گفتند که بزودترین فرصت پشاور را ترک کند و اگر به افغانستان رفته نمیتواند، به کدام کشور دیگر برود. پس از آن علی احمدخان پسر خود را به قندهار فرستاد تا بداند که آیا امان الله خان او را می پذیرد. چون جواب مثبت دریافت کرد، به قندهار رفت و در آنجا به حضور امان الله خان رسید. شاه که در این وقت بنا بر درخواست مردم قندهار استعفاى خود را از سلطنت لغو و برای حمله به کابل مصروف تدارک قوا بود، از مراجعت علی احمد خان خوشنود گردید و او را به حیث قوماندان محاذ بطرف غزنی مقرر کرد. (برای شرح مزید دیده شود - زمانی، عبدالرحمن: "بازنگری دوره امانی..."، صفحه 434-435، به استناد مأخذ شماره 661، 662 و 663، آرشیف هند برتانوی)

محمدنادرخان و شاه ولیخان بتاريخ 6 مارچ پشاور را به عزم خوست به وسیله موتر ترک کردند و حوالی بعد از ظهر آنروز به "تل[تهل]" رسیدند و از طرف مکوناچی پولیتیکل ایجنت انگیس در ایجنسی گُرم استقبال شدند. مکوناچی در گزارش نیمه رسمی خود می نویسد: ما به "رست هاوس علیزی" رفتیم و یک ساعت باهم ملاقات داشتیم. آنها از من خواستند نامه شانرا به شاه محمود خان برسانم تا در "پاراچار" آنها را ملاقات کند. شاه محمودخان که با الله نوازخان و عده دیگر از طریق "پیوار" به آنجا رسیده بودند، با برداران خود محمدنادرخان و شاه ولیخان بطور خصوصی دیدار و صحبت نمودند و شاه محمودخان مکتوبی را که حبیب الله کلکانی عنوانی محمدنادرخان نوشته بود، به او داد و او با خواندن مکتوب خندید.

طی این دیدار نادرخان از برادر خود راجع به برداشت اقوام از اوضاع کشور پرسید، او گفت که همه شان طرفدار نادرخان میباشند، به استثنای غلجی های احمدزی و بعضی از لوگری ها و شیعه های خوشی. محمدنادرخان گفت: «هیچ کاری را نباید کرد که مردم فکر کنند آنها (برادران) با امان الله خان خصومت دارند یا در صورت ناکامی شان رسوای مردم شوند.» او به شاه محمود خان توصیه کرد که: «باید اعتماد مردم را حاصل کند و تا معلوم شدن تلاش های هاشم خان در ولایت مشرقی کدام کاری دیگر انجام ندهد. اگر آنها حمایت ولایات جنوبی و مشرقی را حاصل کنند، هر چهار برادر به کابل خواهند رفت.» (شرح مزید - زمانی، عبدالرحمن: "بازنگری دوره امانی..."، صفحه 437، به استناد یادداشت های مکوناچی، دیدار با نادرخان مورخ 6 تا 8 مارچ 1929، اسناد آرشیف هند برتانوی)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ